



START



REEL 83



Microfilmed 1990

**University of California
Reprographic Service
Los Angeles, CA 90024-151804**



6 inches

Reduction Ratio 10:1

**National Preservation Program for
Biomedical Literature:**

**Preservation of Persian and Arabic
Medical Manuscripts**

**Funded in part by the
National Library of Medicine
and the
University of California at Los Angeles**

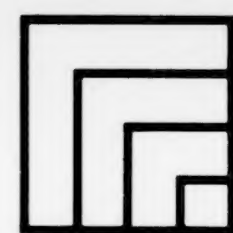
(Contract Number N01-LM-9-3534)

October 1989 - September 1990

**The material on this microfilm
is of varying quality. Portions
of the material may illegible due to:**

**Aged paper
Foxed, stained, or insect
damaged paper
Water damaged paper
Glossy paper
Illegible script or faded ink**

**Red and purple within the
manuscripts may appear paler.**

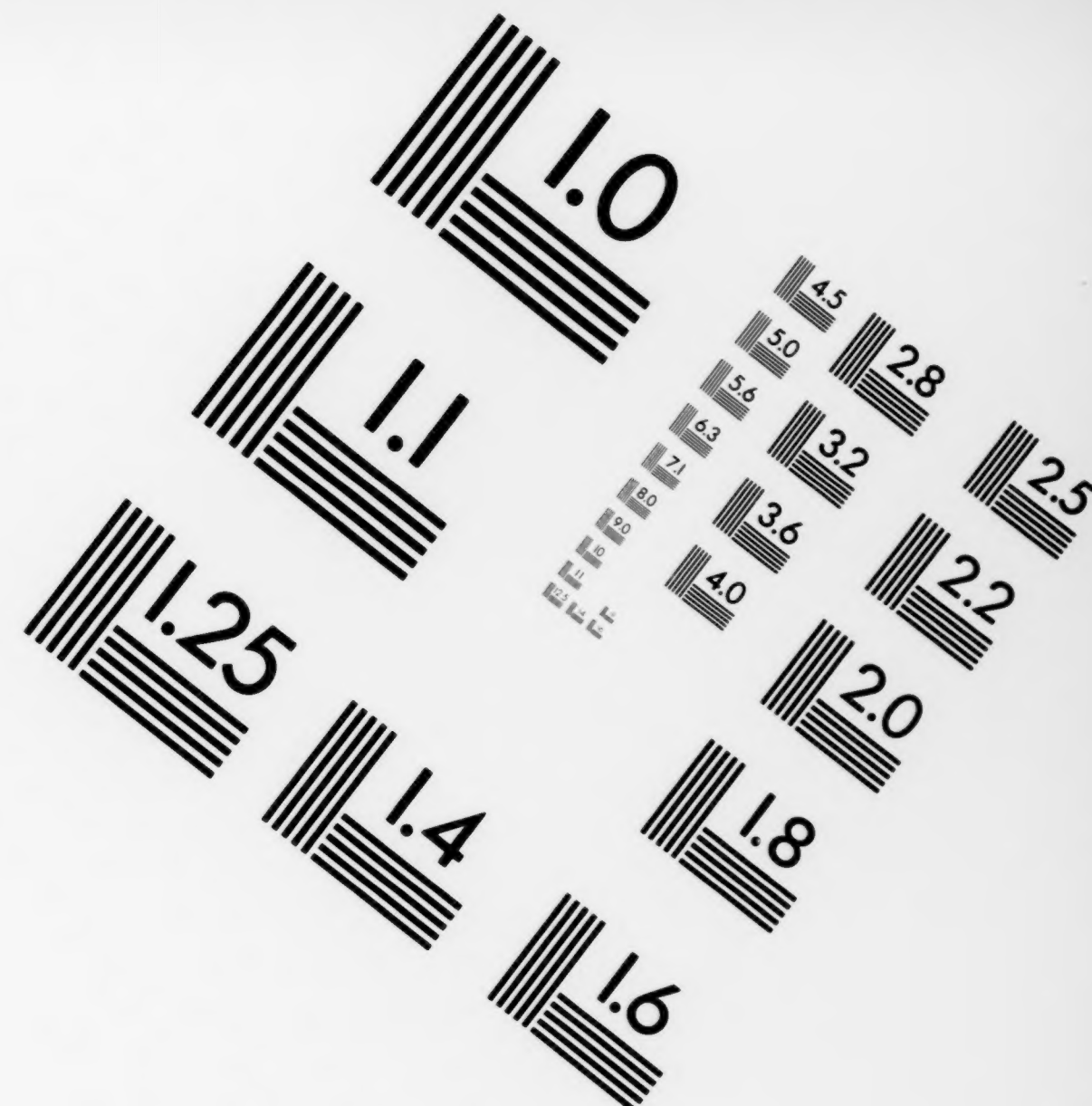
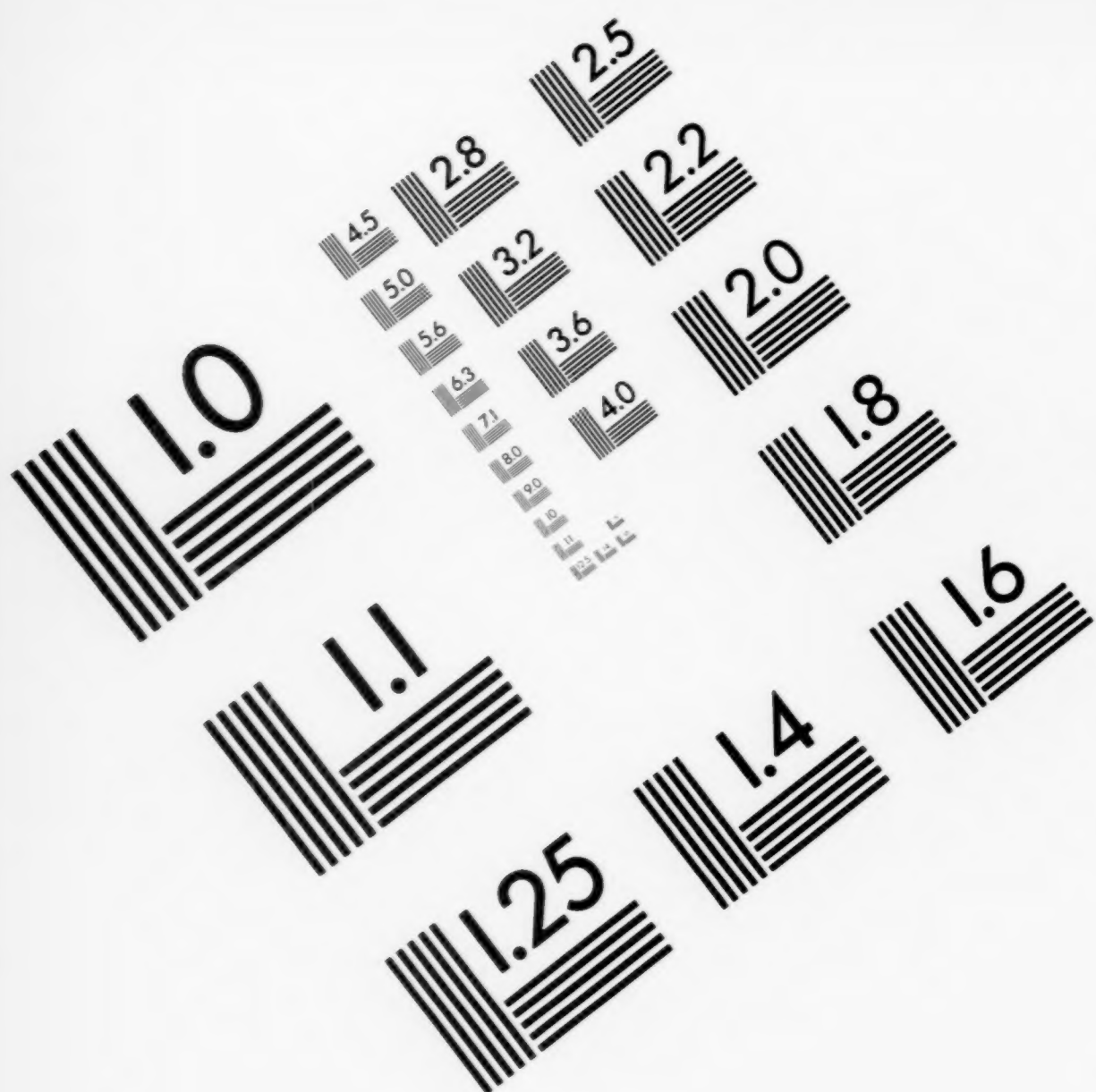


AIM

Association for Information and Image Management

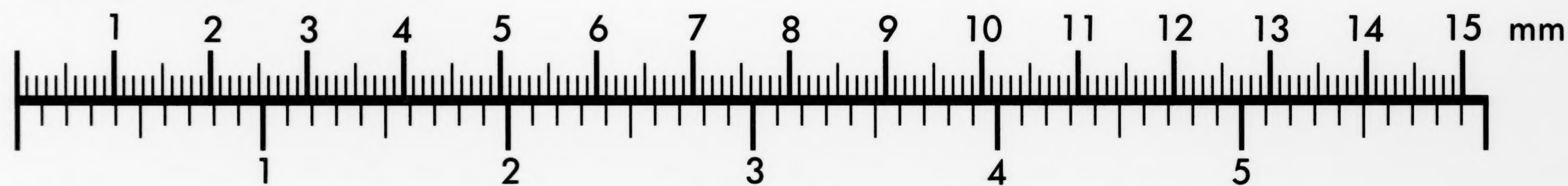
1100 Wayne Avenue, Suite 1100
Silver Spring, Maryland 20910

301/587-8202

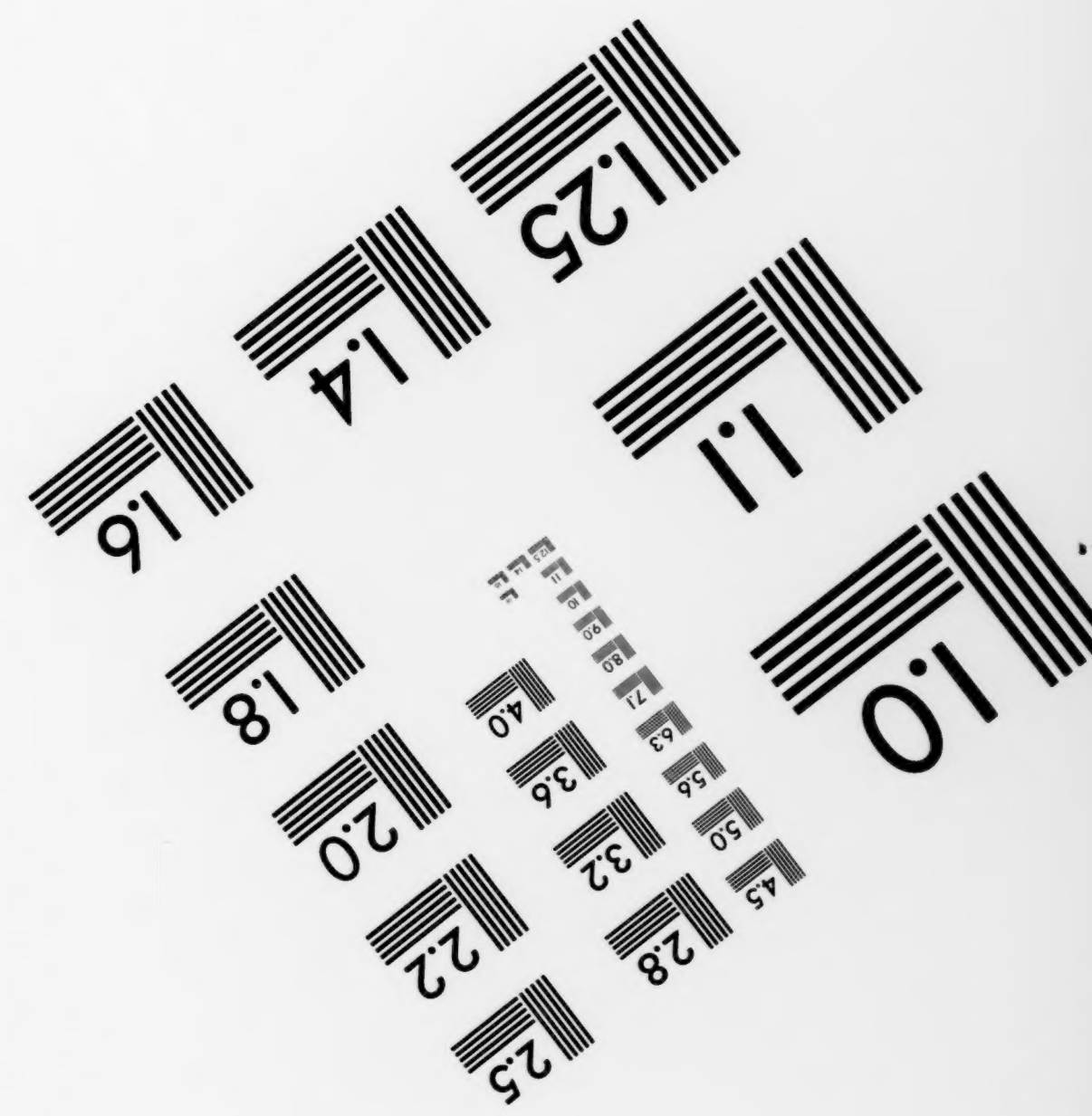
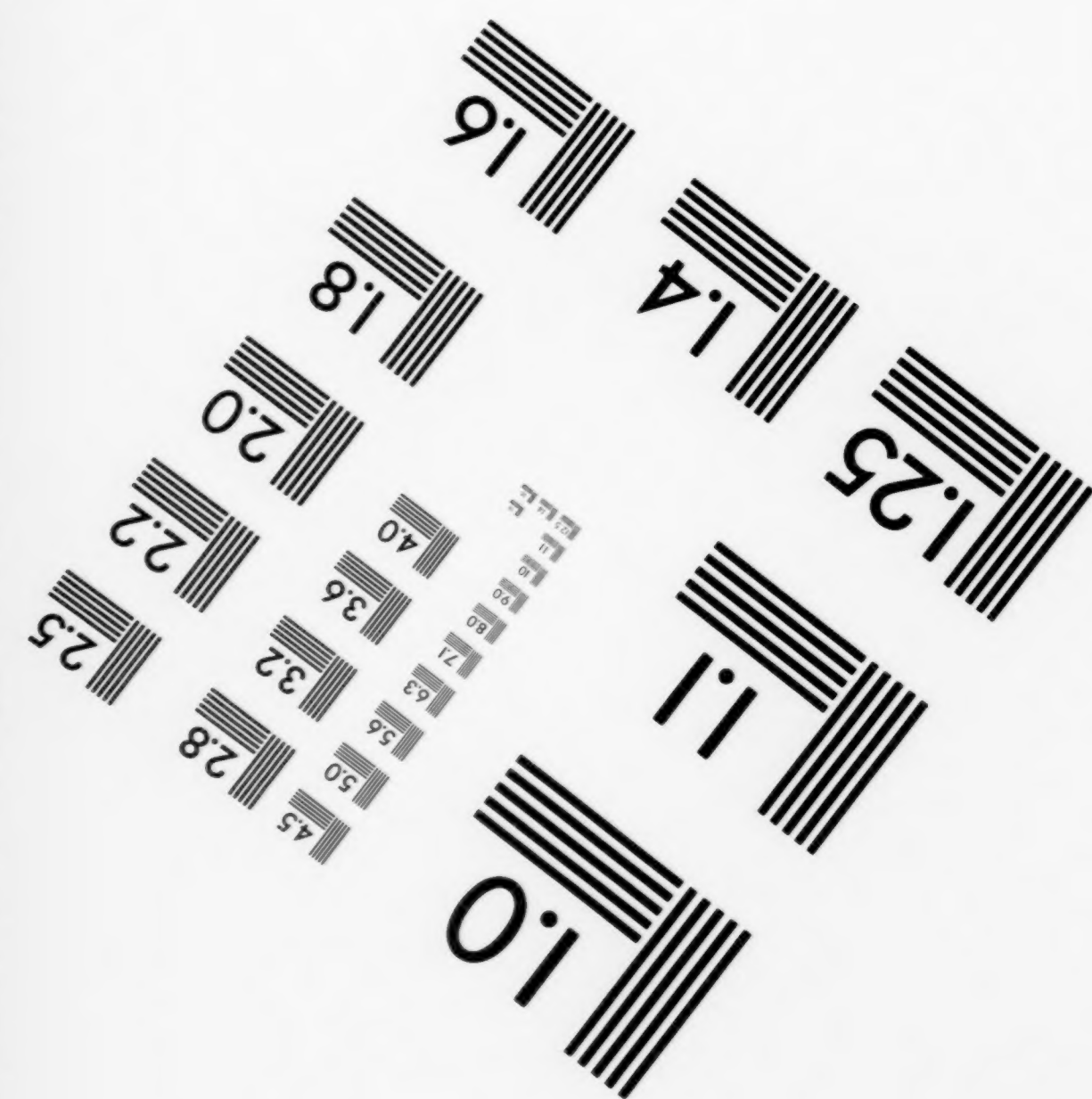
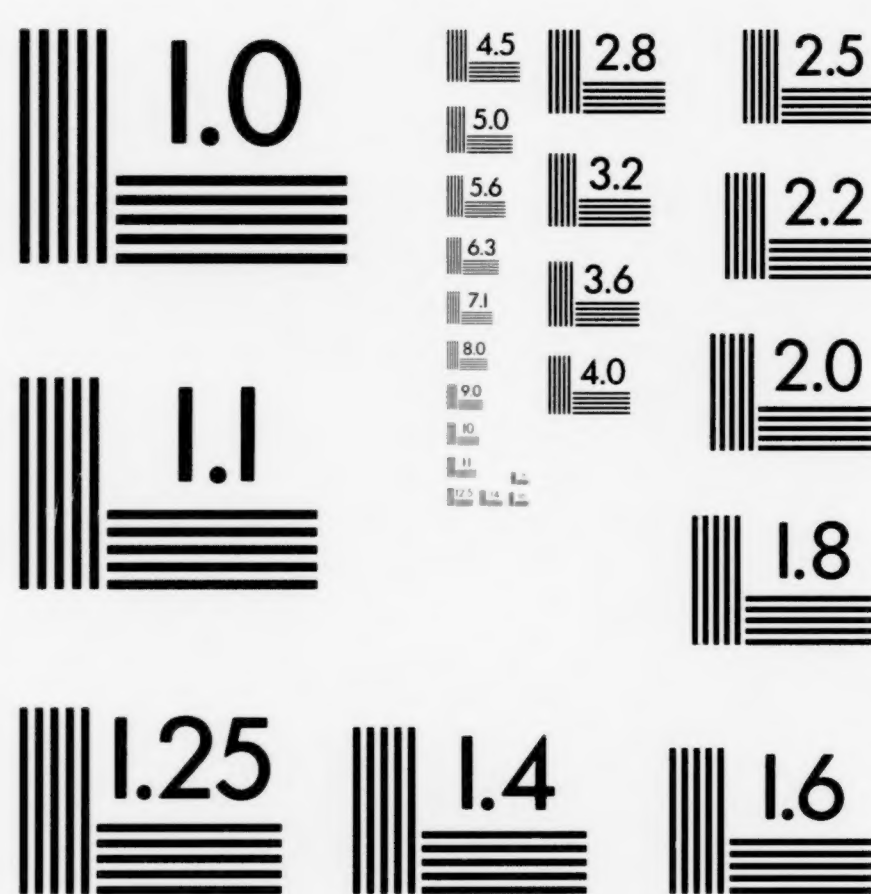


MS303-1980

Centimeter



Inches



MANUFACTURED TO AIM STANDARDS
BY APPLIED IMAGE, INC.

**Los Angeles,
University of California**

Louise M. Darling Biomedical Library

**History and Special Collections
Division**

Persian Medical Manuscript Collection

(Shelved as Ms Collection 60)

**For permission to publish, or obtain
copies of microfilm, write to:**

**History and Special Collections Division
Louise M. Darling Biomedical Library
University of California, Los Angeles
Los Angeles, CA 90024-1798
U.S.A.**

*Ms.
coll.
no.60
RARE

Persian medical manuscripts. -- ca.
1100-ca. 1900.
150 v. ; 15 x 8-38 x 24 cm.
Entire collection microfilmed as part
of a National Library of Medicine
preservation project: the preservation
master negative is at NLM; the printing
master negative is at the University of
California's Southern Regional Library
Facility; a positive copy is housed in
the UCLA Biomedical Library's History
Division.

Formerly a part of: Near Eastern
manuscript collection, Dept. of Special
Collections, University Library,
University of California, Los Angeles,
and assigned accession no. 1117.
Transferred to the History Division
of the UCLA Biomedical Library in
CLUHsl SEE NEXT CRD

CLU-M ejf 891113

*Ms.
coll.
no.60
RARE

Persian medical manuscripts. ... ca.
1100-ca. 1900. (Card 2)
March, 1986.

Finding aids: Annotated and indexed
list available in library: Richter-
Bernburg, Lutz, Persian medical
manuscripts at the University of
California, Los Angeles : a descriptive
catalogue (Malibu : Undena
Publications, 1978)

1. Medicine, Arabic. 2. Manuscripts,
Medical. I. University of California,
Los Angeles. Louise M. Darling
Biomedical Library. History and Special
Collections Division. II. Series: Near
Eastern manuscript collection ; no.
1117.

CLU-M ejf 891113

CLUHsl

Persian Medical Manuscript Collection

Ms. 83

(Richter-Bernburg No. 107)

Author: Fakhroddīn b. Mortazā Mahābādī

Title: [Resālā-ye čūb-e čīnī]

8 fols., 220 x 140 mm

A-716



i

200. 117
17. 03

1207 25-11



THE LIBRARY
OF
THE UNIVERSITY
OF CALIFORNIA
LOS ANGELES

BLANK PAGES



بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الكريم الجليل الذي نشق بحال حكمته و لطفه السقيم والعليل والصلوة على محمد وآله
المُرشدِين الى سَوَادِ السَّيْلِ اما بعد حين كوني كليل فخر الدين ك اين رساله است
در بيان شناختن چوب صيني و كيفيت خوردن آن بنا بر اشاره عالمي جناب فضيلت
كحالات الكتاب آنكه اسم سامي ايشان درين ربابي مندرج ميگردد در بابي
آن كس كه سرآمد همه آفاق است در شيوه حكمت ز بهر كس طاق است
در آگه لاهور ندارد ثانی بقراط زمان ما حكيم اسحاق است
لا زالت بر كفات انفسه رقم تميم يافت اميد كه شرف قبول ممكن كردد
مرتب است بر چند باب و الله بهدي الی طریق الصواب باب اول در شناختن

در صيني

چوب صيني كه از كجاي آرنه و سبب پيدا شدن وي چون بوده بدانكه چوب صيني
بيخي است كه نه ناك و آن از جانب چين و خطاي آيد و از آنجا بجا شغرو سر نمند
و بخارا مي آورند و نوعي از آن از جانب زير باد از راه دريا به هندوستان
و بهر فرعي آورند و بعراق و خراسان و روم و عربستان مي رود و در وقت پيدا
شدن وي چنان است كه حكايه كنند كه وقتي جماعتي از بخارا در كشتي نشسته
بمسفر دريا بجانب تحت الريح ميرفتند شخصي در ميان آن جماعت بود كه آنرا
داشت و بغايت ضعيف و ناتوان شده بود و بدن وي بمرتب مجروح بود كه گرم
و چرك از وي سيلان مینمود و اول كشتي بسيار در زحمت بودند و از وي تنفر
مینمودند اتفاقاً بعد از چند روز بحر نيزه رسيدند كه محل پيدا شدن آب بود حاكم
كشتي مصاحت دیده آن مريض را در جزيره رها كرد و اندك خوردني بوي داد
و بجانب كه مدعاي ايشان بود روان شدند بعد از يك سال يا بيشتر از سفر
تحت الريح مراجعت نمودند و بهمين راه جزيره معهود رسيدند جهت برداشتن
آب ديدند كه شخصي در غايت فرهي و تندرستي در کنار چشمه آب نشسته
بود اما برهنه و عريان است از وي سوال كردند كه تو چه كسي احوال خود را
پيان نمود مردم كشتي او پراشناخت با خود جانب كشتي بردند حاكم كشتي از و

Khat. Far. 100/100/1-1 = 1498a

احوال استفسار نمود آن شخص گفت که تو فیک مراد این جزیره را که در دماغ ما پوس شده
 با طرف و جوانب این جزیره یک شتم بعد از آن که خوردنی فقیر آخر شد آغاز خوردن
 گنجا که مردم بجای می رسیدیم که وی شیرین بودست روز که بدان مداومت نمودم
 این مرض با بکل از من برفع شد و تا غایت که درین جزیره بودم همین سبب بود
 حکیمی در آن کشتی بوده است که این سبب را درین باب نفعی تمام است اهل کشتی
 را بجمع کردن آن سبب بفرمود از آن زمان باز الی یومنا شهرت یافته در
 دفع امراض بکار می برند باب دوم در تعریف چوب صینی و دانستن بنگی و بوی
 آن بدانکه چوب صینی بکنز رنگ میباشد سرخ و سفید و زرد و سیاه و ا
 اینها اما بهترین وی سفید است که سبب مایل بود لیکن بعضی خود رنگ را
 می پسندند سفید که بزودی از نند و حکما فرنگ این در رنگ سرخ و سبک
 آنرا خوب میدانند و عرض ایشان آن است که بغایت خود رسیده این سفید
 زرد است خام و نار رسیده اما این سیاه است خلقی نیست بلکه آب دریا بوی
 رسیده آنرا سیاه ساخته زیرا که هر چند سبب که از جانب کاشغری آید سیاه
 همه سفید است از اینجا معلوم میشود که سیاهی آن از عبور دریا است فی الجمله بهترین
 این سبب است که در وزن سنگین و در طعم شیرین باشد و گره ناک و سبک

در

و شور و ریش دار نباشد و از جانب کاشغری آید باب سوم در بیان خاصیت
 چوب صینی بدانکه اطباء اسلام صفت این سبب را در کتب خود نیاروده اند غالباً در
 زمان قدیم نبوده یا آنکه بوده در چین و خطای کسی از اینجا بیرون نیاروده بود
 سبب شهرت نیافت و خاصیت آن بر کسی ظاهر نشده و العلم عند اللعالم
 الغیب الا الله اما در زمان سده نهم صد و سیست و فتحه فرنگیان بر کمال نیار
 هندوستان را گرفتند و ساحل هند یا بار را بقبضه اقتدار خود در آورند
 با طرف دریای عمان کشتیها را جاری ساختند بعد از چند گاه این سبب را
 پیدا کردند از آن زمان تا امروز که نهم صد و هفتاد و هشت است این سبب
 در میان اسلام شهرت یافته انواع مرض را بدان علاج مینمایند
 یعنی است کثیر النفع اما در میان مردم فرنگ و اهل چین و خطایوت تمام دار
 و در معالجه آبله فرنگ و جذام و برص و داء الثعلب و داء الفیل و داء الحید
 و مرضی که نزدیک بقروح و جرح بوده باشد چون سرطان و خنازیر
 و مایل و مانند آن بکار می آید لیکن در خوردن این سبب شکر الطی چند است
 بیان آن کرده شود انشاء الله تعالی باب چهارم در مقدار چوب صینی که
 جوشانیدن و بهترین آن بدانکه این قرار داد اهل این زمان است بدانکه

مقدار چوب چینی یک سیر اگر که عبارت از صد و سبست متقال صیرنی است بوده باشد
 و این یک شربت تمام است که تریزین چند آن نفعی از وی طامه نمیشود و بعضی
 دو خوراک را یک شربت میارند و استه قوت شخص است اما کیفیت چوب
 وی چنان است که بکیرند پنج چینی پاک بی عیب چنانکه قبل ازین تعریف کرده
 بدان مقدار که مقرر کرده اند اول او را آب صافی بشویند و از گرد و غبار پاک سازند
 بعد از آن بکار دیابتیسه بخاری ریزند چنانکه هر باره از آن یک نخود کمتر یا
 زیاده تر بوده باشد بعد از آن که ریزه کردند آنرا سبست حصه کنند چنانکه هر حصه
 متقال بوده باشد پس این یک حصه را که شش متقال است در شش سیر آب شرب
 صافی که عبارت از مفسد و سبست متقال است بجوشانند با شش موار چند انگلی
 برود و دولت مانند اما بعضی آب این مفسد متقال میکنند و چند آن بجوشانند که
 نصف میزد و نصفی میماند لیکن بهترین است که در دیک سنگین یا کلین بجوشانند
 اگر یافته نشود در دیک مسین قلعی کرده صافی بجوشانند و فرود آرند اما بعضی عرق
 چوب چینی کشیده بکار میبرند و آن طریق نیز خوب است و آن اختراع فقیر است
 بیان آن در آخر رساله کرده شود ان شاء الله تعالی قاعده جوشانیدن آن است
 که سرد یک را بسیار بریزند که هوای لطافت آن را میبرد اول آن است که سردی

دیگر

و یک را خوب محکم کنند در میان سر پوشش سوراخی کرده گذارند و هر گاه خواهند
 ملاحظه کم و زیاد کنند چوبی را سه حصه نشان کرده در سوراخ دیک فرستند
 هر گاه که یک حصه رفته و دو حصه مانده تمامت پس فرود آرند آسان تر از این
 هر گاه خواهند که چوب نباشد باید که چختن اول را بلا خط کنند که چه مقدار بپوشد
 تا بدان مرتبه رسیده بهمان مقدار بپوشد هر نوبت میسوزانند و با تمام میسوزانند
 و این در کمال آسانی است و خوب است بهای پنجم در بیان کیفیت خوردن آب شرب
 و نکات هشتم آن بداند که هر گاه که چوب چخته شده قبل ازین که بر زمین نهد
 زیر دامن مریض گذارند و اطراف مریض را بچادری یا جامه خواب پوشانند
 چنانچه خوب پوشیده شود نگاه سرد یک را بردارند تا بخار گرم از دیک برآمد
 بر روی و کلوی او بر آید و این شخص را عرق آورد بعد از آن دیک را بردارند
 و آب را صاف کرده نگاه دارند و در همان لحظه اندک از آن آب نیم گرم بنیاست
 بدان شخص بخوراند و پیرا پوشانند و یک ساعت بخوابانند تا نیک عرق کنند
 بعد از یک ساعت طعام بخورد و بعد از طعام اندکی از آن شیره جوشیده بخورد
 و باقی دیک بخورد که در آخر روز بکار برد و بطریق صباح خود را پوشانند
 تا عرق کنند و هر گاه که کشته شود بعضی آب شیره باقی مانده را میخورند با

غذا هر روز دو نوبت خورد آب جوان مرغ بی نمک باید داد تا ده روز بعد از آن
 برنج با مرغ بچشم بخورد و اگر چند روز ناشنفتن بشیره صکله از در طعام
 اضافه کنند شاید و اگر نمایان میل شود از آن آرد کندم نان تنگ بچشم و بریان کرده
 بی نمک بخورد و اگر مرغ میسر شود گوشت بزغال یا شینگ جوان با مرغ
 مناسبست و بعضی گفته اند از اول تا آخر مرغ بریان کرده یا کباب کرده با نان
 فطیر کناری نیک بریان کرده بی نمک باید خورد و اگر مرغ بی نمک نتواند
 خورد اندک قند سائیده ضلایه کرده با طعام بخورد و اگر بعد از طعام شیری میل
 شود نبات و حلالت کز شسته در رو نباشد بخورد و مثل بادام قندی و
 پسته قندی و در میان روز شربت بالکوه ده دم با عرق بید مشک و کلاب
 و عرق رازیان نیز مفیدست و درین مدت بست روز طهارت بهین شیره کن
 و از بهجت وضو غسل تنیم کند و از میوه و ترشی و لبنیات مثل ماست و پنیر
 نماید و درین روز تا ترود نکند اصلا و مجامعت نکند تا مدت دو ماه بگذرد شفا
 می یابد ان شاء الله تعالی اما بعضی از مردم این خورد خوب را در ده روز
 کرده میخورند و بعضی در چهارده روز و بعضی در چهل روز با تمام میسر سازند چنانکه خوب
 راست و پنج حصه کرده بطریق کباب کرده شده میخورند و نقلی که مانده جمع ساخته

بعد از بست و پنج باز پانزده حصه کرده در پانزده روز بطریق اول بهمان مقدار
 آب جوشاننده صاف کرده میخورند غذا بدستور باب ششم در بیان کیفیت
 تنقیه بدن بدانکه بعضی گفته اند بهتر آن است که پیش از خوردن خوب صنی اول تنقیه
 نمایند و بدن را از اخلاط غلیظه رویه پاک سازند بهین دستور گفته میشود روز
 اول نقشه کاوزبان پنج کرفس با ذره خوب سیبستان غیب تر بچشم کلقتند
 آقایی بجلاب باز خورد و میان روز شربت نبات و کلاب و عرق بید مشک
 بخورد غذا خورد آب بی نمک تا سه روز بدن دستور عمل کند روز چهارم پوست
 بلبله کابلی و بلبله سیاه پنج کاسنی از هر یک دو درم موزیر منقی ده درم
 نماید غذا برقرار روز پنجم و ششم بهین دستور عمل نماید روز هفتم سناب
 بهفت مثقال کاوزبان تخم کاسینه اقیقون پوست بلبله زرد کل سر
 از هر یک سه درم آلو سیاه بهفت عدد شیر خشک ده درم کلقتند ده درم
 کرده بجلاب باز خورد غذا برقرار میان روز بدستور بعد از بهفت روز کلاب
 خورده باشد سه روز استراحت نماید غذا و شربت بدستور روز هفتم شروع
 کند خوردن پنج صنی باب بهفتم در سفوف خوب صنی بدانکه گاه باشد که مردم
 متغذ باشند در جوشانیدن خوب صنی اول آن است که خوب صنی را نیک گفته

و بخت بطریق که حصه کرده شده در دست روز سفوف ساخت هر روز شش مثقال
یک زن و اگر در خوردن دشوار آید اندک نبات صلابه کرده با دوی ضم کرده شوند
و بعضی از جهال هستند که در سفوف داروهای گرم مثل فلفل و زنجبیل و دار فلفل
شوز و ناخواه اضافه کرده بی رای مردم و قوف بجاری بر بند ظاهر اگر فایده
مرضهائی دیگر بعد از چند روز پیدا میشود که علاج و تدارک آن بغایت دشوار میشود
بهمه حال اگر کسی خواهد که در سفوف چیزهای اضافه کنند بهتر آن است که دارو
که فی الجمله در وی تر یا قیئت بوده باشد مثل دار صنی و از ادویه قلسه نموده باشد
بکار برد اما سازنده آن میباشد که عارف باشد بمزاج ادویه و مراتب وی تا
در خطایقت و اندر اعظم باب ششم در حق کشیدن صنی بکیرند خوب صنی خوب ضایع
کرده شد یک سیر بلغور کرده بقدر خود یا کوهک تر و یا کلبه و نسبت سیر
شیرین صافی در دیک کرده بچوشانند تا یک ثلث برود و در ثلث بماند
بعد از آن بقرع اسنق عرق کشند هر چه حاصل شود بردارند و این اختراع
فقیرست غالباً کسی چنین نکرده بود عذیر بداند یک سیر خوب صنی را ریزه کرده
در دیک ریزند و شصت سیر صافی در وی ریخته سرد یک را بغایت
محکم کنند چنانکه دم از آن بر نیاید بعد از آن سینه بزرگ بالای دیک گذارند

دانش

و آتش هموار بر آفرودزند تا بچند شود آفتش تا یک روز آتش میباشد کرد
و یاد و روز بر آتش میتوان کرد بشرطیکه سوزنیک محکم باشد و سکنی
که بر بالای دیک در غایت گرانی بوده باشد زیر آتش سنگ را
از جای خود بر میدارد بهر چند که گر آن باشد و بخار آب بیرون میزند
و خوب در دیک میسوزد و سیاه میشود همه حال در آتش کردن ملاحظه
تمام میباشد کرد و اگر کسی معرفت نداشته باشد مقدار دو نیت است
همه در زیر دیک سوزانند که کافیت و انقدر علم تم التالیف می باشد
فی بلذه اگره تمام شد چون الملک الوهاب در سوزن و هزار و دو



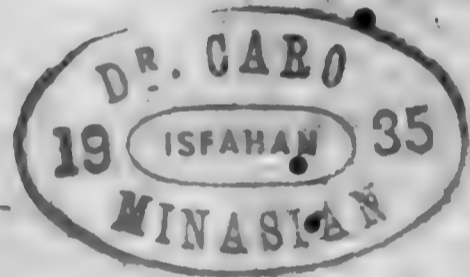
من بحری انبوی صلعم

طریق از کتاب خوب صنی خوب سیر منند باید سیر خوب را چهل حصه نمایند
و ریزه ریزه کنند برابر سفالین بلک خود تر طریق طبع آن چنان است که شوره سیر
اب بماند کرده در دیک سفالین پاکیزه انداخته حصه چهارم خوب را در آب اندازند
و آتش معتدل کرده چند آن جوشانند که دو از ده سیر آب باقی ماند یک کتریم
به تنصیف نزدیک نزدیک و سرد یک را اول نلبه بوشانند بعد سرد و شوش
پوشند بعد از آن دیک آب نزدیک خود گذارند و جامه در سر خود کشیده

سر دیک گشتنند چنانچه تمام بخار و قف آن متوجه روی و سینه شود و اصل سینه
 نزود و یک سیر آب یا زیاد از آن جلد در سال کرده گرم باشد و چسباید
 در بالای خود پوشند و بگردانند و بمرق در آید که اصل عرق کردن است بعد
 از آن که عرق بحال برسد بدفعات چنانکه از بالای خود بر دارد و می باید که بعد از
 عرق میل بغذا نماید طریق غذا هر روز یک مرغ و نه یا زیاد را بی نمک میل نماید
 و اگر از آب کور چیزی زیاد مانده باشد خمیر نان را با آب بکشد که آب مرغ بطریق
 مذکور تقدیر که میل شود بخورد و از داخل اختراعی که کند حرارت از جماع بقاء
 ملاحظه نمایند خاصه اگر مرد باشد که مهلک است و از هوا نیز ملاحظه نماید که در آب
 غیر از آب خوب نخورد و آب بکر طهارت کند و استعمال با آب بکر نیز نکند و نمک
 قطعاً نخورد اگر گاهی میل عمل کند بدینت و ترشیه هرگز نخورد و اگر از نان بکیر
 چه بی نمک یا کباب مذکور میل نمایند و میباید که بعد از تمام خوب آن قدر که در حالت
 خوب خوردن بر پیش کرده اند تقدیر دیگر از هوا و شهوت و چیزهای بادناک
 بر پیش نمایند و اگر میل نمک کند چندان باکی نیست گوشت کوسفند نیز بعد از چله
 میتوان خورد اما از شهوت بر چند بر پیش نماید و پیشتر در دیگر غیر از این دستور
 هر که عمل کند محال است که سینه باشد هر چند که مرد و انا باشد از خود اختراع کرده

خواهد گفت

خواهد گفت بآن عمل نمایند که نتیجه خواهد داد آنچه فرنگ قرار داد مهمت این است
 و مجرب است اصل وجود گرم بجا داشتن است و شب و روز در عرق بودن و هوا
 گرم و جایی گرم نقل قیل شکی موسی علیه السلام عن ضعف بدنه الی حبر مثل
 فقال تبریح الالباب و شرب لبن العشار و الاغتسال باء الحار و النوم علی
 ايسر و اكل التفاح حلی النهار فایده اغتتمو ابردا بریح و اجتنوا ابردا الحریف
 فانه یعمل ما یبدا انکم کما یعمل با شجار کم فایده شد اید الدنیا فی اربعه اشخوخته
 مع الوحدت و المرض فی الغریب و کثرة الدین مع القلت و بعد الشقه مع



BLANK PAGES

BLANK PAGE



Appear - Tehran
19.7.29



END OF REEL
PLEASE REWIND

